

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

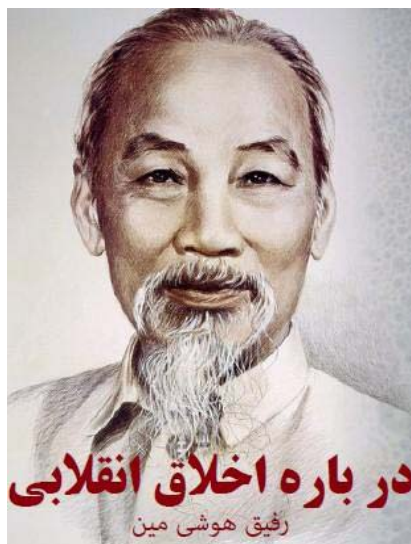
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رفیق هوشی مین
فرستنده: علی مشرف
۰۵ اکتوبر ۲۰۱۹

درباره اخلاق انقلابی



انسان از بدو پیدایش خود همواره به خاطر زنده ماندن می بایست علیه طبیعت (حیوانات وحشی ، آب و هوا) مبارزه کند. برای کسب موفقیت در این مبارزه هر فردی باید بر نیروی عده زیادی از مردم ، بر روی گروه و جامعه متکی باشد. او به تنهایی نمی تواند طبیعت بهتری برای زیست بدست آورد.

انسان برای زنده ماندن و تهیه غذا و پوشاک باید تولید کند. تولید هم باید بر روی جامعه اتکاء داشته باشد زیرا که انسان به تنهایی نمی تواند تولید کند. در عصر ما که عصر تمدن و انقلاب است انسان باید برای عهده داری هر کاری هر چه بیشتر بر روی نیروی جمعی اتکاء کند. امروزه بیش از هر زمان دیگر، يك فرد نمی تواند حرکتی جدا داشته باشد بلکه باید به جامعه ملحق شود.

بنابراین فردگرایی در نقطه مقابل اصول اجتماعی و اشتراکی قرار می گیرد. کلکتیویسم (اصول اجتماعی و اشتراکی) و سوسیالیسم بیشک غالب و پیروز خواهند شد، در صورتی که اندیویدوالیسم (فرد گرایی) حتما از بین خواهد رفت. مناسبات تولیدی و نیروهای مولده پیوسته همراه با طرز تفکر انسان و سیستم های اجتماعی تکامل می یابند و تغییر می پذیرند. همه ما می دانیم که از گذشته تا به حال مناسبات تولیدی ، از استفاده از شاخه های درخت و تیشه های سنگی ، تا استفاده از ماشین آلات ، برق و انرژی اتمی تکامل یافته است. روابط اجتماعی هم از کمون اولیه ، برده داری ، فئودالیسم و سرمایه داری رو به تکامل گذارده و امروز نزدیک به نیمی از بشریت به سوی سوسیالیسم و کمونیزم ترقی می کنند و به پیش می روند. هیچ کس نمی تواند جلوی این تحولات و ترقیات را سد نماید و جلو حرکت تاریخ را بگیرد. از زمان به وجود آمدن مالکیت خصوصی ، اجتماع به طبقات متفاوت تقسیم شده است. طبقات استثمارگر و طبقات استثمار شونده و تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی از آن منتج شده است. هر کسی لزوماً به يك طبقه و یا دیگری

تعلق دارد و هیچ کس نمی تواند خارج از طبقات قرار گیرد. در عین حال هر فردی ایدئولوژی طبقه خود را نمایندگی می کند.

در جامعه قدیم مالکان ارضی، سرمایه داران و امپریالیستها بیرحمانه به طبقات و اقشار دیگر اجتماع به ویژه کارگران و دهقانان، استثمار و ستم وارد می آوردند. آنها دارائی مشترکی را که به وسیله جامعه تولید می شد به غارت و چپاول می بردند و به صورت مالکیت خصوصی خود تبدیل می کردند و در عیش و عشرت زندگی می کردند. اما مرتب در باره "پاکدامنی و عفت"، "آزادی" و "دموکراسی" صحبت می کردند.

برای امتناع از تحمل همیشگی این ستم و استثمار کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان برخاسته اند و انقلاب کرده اند تا خود را از بندهای بردگی و استثمار آزاد سازند و جامعه پوسیده کهنه را به جامعه ای عاری از استثمار انسان از انسان، جامعه ای که تمام زحمتکشان بتوانند در آن خوشبخت باشند، تبدیل نمایند.

برای پیروزی باید پیشروترین، آگاه ترین، قاطعترین، منضبط ترین و متشکلاترین طبقه، یعنی طبقه کارگر و حزب پرولتری، انقلاب را رهبری کند.

انقلاب کردن، تبدیل جامعه کهن به جامعه ای نوین بسیار باشکوه است ولی در عین حال وظیفه بسیار سنگینی است که یک مبارزه سخت پیچیده، مشکل و طولانی و خستگی ناپذیر را می طلبد. با چنین بار سنگینی، تنها يك انسان پر قدرت می تواند یک مسافت طولانی را بپیماید. یک انقلابی باید دارای یک پایه محکم از اخلاق انقلابی باشد تا بتواند این رسالت پرشکوه را به سرانجام برساند.

همه ما با تولد و پرورشی که در جامعه کهن پیدا کرده ایم، در سطوح مختلف بقایای آن جامعه را در تفکر و عادات خود به همراه داریم. بدترین و خطرناکترین بقایای جامعه کهن فردگرایی است که به ضد اخلاق انقلابی عمل می کند. کمترین اثری از بقایای فردگرایی در اولین فرصت رشد می یابد، روی پاکدامنی انقلابی را با گرد و خاک می پوشاند و اجازه نمی دهد که ما از صمیم قلب برای منظور و هدف انقلابی خود مبارزه کنیم.

فردگرایی پدیده ایست بسیار فریب دهنده و خیانت آمیز که ماهرانه انسان را به عقب نشینی وامی دارد و همه می دانند که عقبگرد بسیار آسانتر از پیشرفت و ترقی است. به همین خاطر هم بسیار خطرناک است.

برای رهائی از بقایا و اثرات بد جامعه کهن و جایگزین کردن معرفت انقلابی، ما باید سخت مطالعه کنیم، بیاموزیم و خود را اصلاح کنیم تا پیوسته ترقی نماییم. در غیر اینصورت ما تنزل خواهیم کرد و عقب خواهیم ماند بالاخره از طرف جامعه روبه رشد مردود خواهیم شد.

این تنها با مدرسه رفتن و شرکت در کلاسهای آموزشی نیست که ما می توانیم بیاموزیم و خود را اصلاح کنیم. ما می توانیم و باید اینکار را در هر فعالیت انقلابی به کار ببریم. فعالیت مخفی انقلابی، نهضت عمومی، جنگ مقاومت، ساختمان کنونی سوسیالیسم در شمال و مبارزه برای اتحاد مجدد ملی، مدارس بسیار خوبی هستند که ما می توانیم در آنجا معرفت انقلابی کسب نماییم.

انسانهایی که دارای معرفت و پاکیزگی انقلابی هستند، هرگز نه از مشکلات و سختیها و نه از شکستها می هراسند، آنها نه مردد و متزلزل اند و نه به عقب قدم بر می دارند. آنها هیچ گاه در خدمت منافع حزب، انقلاب، طبقه کارگر، ملت و بشریت لحظه ای تردید در فدا کردن منافع خود ندارند و حتی در موقع لزوم، جان خود را نیز فدا می کنند. این يك نمونه بسیار روشن و عالی از اخلاق انقلابی است.

در حزب ما رفقاء تران فو ، نگو جیاتو ، له هونگ فونگ ، نگوین وان کو ، هوانگ وان تو ، نگوین تی مین خای و بسیاری دیگر جان خود را نثار خلق و حزب کرده اند و به عنوان سملهای درخشانی از تعهد کامل به منافع عموم و از خود گذشتگی کامل قرار گرفته اند.

کسانی که دارای اخلاق و معرفت انقلابی هستند، ساده، فروتن و آماده برای مقابله با سختیها باقی می مانند، حتی در شرایطی که با بهترین و دلخواهترین شرایط مواجه هستند و در حال کسب پیروزیهای پی در پی می باشند. " قبل از دیگران نگران کار باش و بعد از آنها به فکر بهره مند شدن از لذتها باش ". ما باید همواره به این فکر باشیم که چگونه می توانیم رسالت و وظایف خود را برآورده کنیم، نه این که چگونه می توانیم بهترین پاداش را بگیریم. ما باید از لاف زنی و مغرور شدن از دستاوردهای گذشته و خواستار امتیازات حق ویژه شدن و یا پروردن بوروکراتیسم، خودبینی و بد اخلاقی مطلقاً پرهیز جوئیم این نیز نمونه ای از اخلاق انقلابی است.

خلاصه کنیم، اخلاق انقلابی شامل مطالب زیر می باشد.

•فدا نمودن تمام زندگی در مبارزه برای حزب و انقلاب. این مهمترین نکته است.

•فعالیت خستگی نا پذیر برای حزب، دریافتن دیسیپلین حزب و عملی کردن مشی و سیاستهای آن.

•منافع حزب و زحمتکشان را در رأس منافع شخصی خود قرار دادن. خدمت به خلق از صمیم قلب و با تمام وجود. مبارزه ای از خود گذشته برای حزب و مردم و در هر يك از این موارد سمل قرار گرفتن.

•کوشش جدی در جهت آموختن مارکسیسم - لنینسم و به کار بردن مداوم انتقاد و انتقاد از خود برای بالا بردن سطح معیارهای ایدئولوژیک و پیشرفت در کار فردی و مشترک با رفقاء.

•هر انقلابی باید عمیقاً درك کند که حزب ما پیشروترین و متشکل ترین سازمان طبقه کارگر، رهبر این طبقه و زحمتکشان در مجموع است. در حال حاضر، طبقه کارگر هر چند معدود است، ولی در حال رشد می باشد. در آینده، تعاونیهای کشاورزی در همه جا مستقر خواهند شد و دهقانان تبدیل به کارگر خواهند گردید.

روشنفکران با کار دستی به خوبی آشنا خواهند شد و تفاوت بین کارکنان فکری و دستی رفته رفته از بین خواهد رفت. نتیجتاً بر تعداد کارگران افزوده خواهد شد. قدرت آنها رشد خواهد کرد و آینده طبقه کارگر زیبا و درخشان خواهد بود. طبقه کارگر خود و دنیا را تحول خواهد داد و اصلاح خواهد کرد.

يك انقلابی باید بروشنی این را بفهمد و قاطعانه از موضع طبقه کارگر پیروی کند تا بتواند قلباً برای سوسیالیسم و کمونیسم، برای پرولتاریا و عموم زحمتکشان مبارزه نماید. معرفت انقلابی شامل وفاداری کامل به حزب و به خلقهاست. حزب ما هیچ راهی را به جز راه طبقه کارگر و زحمتکشان دنبال نمی کند. از اینرو هدفش مبارزه برای ساختمان تدریجی سوسیالیسم در شمال و اتحاد مجدد کشور می باشد.

تحت رهبری حزب، خلق ما قهرمانانه جنگیده است، استعمارگران و فئودالها را سرنگون ساخته و شمال کشور ما را کاملاً آزاد نموده است. این موفقیت بزرگی بود. اما انقلاب هنوز پیروزی کامل خود را به دست نیاورده است.

هدف کنونی حزب مبارزه برای اتحاد مجدد ملی برای ساختن ویتنامی صلح دوست، متحد، مستقل، دموکراتیک و شکوفان، برای از بین بردن استثمار انسان از انسان در سراسر کشور و ساختمان جامعه ای نوین که حامل خوشبختی و فور برای همه می باشد.

هرچند صنعت ما هنوز عقب مانده است ولی در ضمن در حال رشد می باشد. برای کوشش در کامیابی، کارگران ما باید به رقابت برای تولید هرچه بیشتر، سریعتر و با صرفه تر بپردازند، از قوانین کار شناخت پیدا کنند و فعالانه در

مدیریت کارهای مهم شرکت ورزند. ما باید علیه ائتلاف و اختلاس مبارزه کنیم و کادرهای ما باید حقیقتاً کوشنده، صرفه جو، صادق و درستکار باشند و به کارگران در کار ملحق شوند.

در میان دهقانان ما زمین تقسیم شده، و بخشی به پیشرفت زندگانی آنها کمک کرده است. اما مناسبات تولیدی هنوز هم پراکنده و عقب مانده می باشد. از اینرو هنوز اضافه محصول نداشته ایم و وضع زندگی فقط کمی بهتر شده است. جنبش بر پا کردن تیمهای تعویض کار و تعاونیهای دهقانی در روستا باید به طور گسترده و مستحکم جلو گذارده شود تا به ازدیاد تولید کمک کنند، تنها در این صورت است که دهقانان ما می توانند از فقر رهائی یابند و برای خود زندگی بهتری مهیا کنند.

بنابراین اخلاق انقلابی شامل کوشش مجدانه در جهت کسب کردن اهداف و مقاصد حزب، خدمت صادقانه و بی تزلزل به طبقه کارگر و زحمتکشان ستمدیده می باشد. اکثر اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر و اکثر کادرها به این وظایف خود عمل کرده اند، اما نه همه. آنها به اشتباه فکر می کنند که حالا که استعمارگران و فئودالها در شمال بیرون انداخته شده اند، پس بنابراین انقلاب با موفقیت به پایان رسیده است. برای همین هم اجازه می دهند که فردگرایی در آنها رشد کند، آنها درخواست تفریح و استراحت می کنند و به جای این که وظایفی که سازمانش به عهده آنان گذارده برآورد کنند، می خواهند کارهای خود را انجام دهند. آنها خواهان مقامهای بالا می باشند ولی خود مسؤلیت قبول نمی کنند. جنگجویی، انرژی، شجاعت انقلابی و خصایص خوبشان رفته رفته ضعیف می گردد. آنها فراموش می کنند که معیار اصلی برای یک انقلابی تصمیم او در مبارزه ای تا به آخر برای حزب و انقلاب می باشد.

ما باید توجه داشته باشیم که پیروزیهایی که تا به حال به دست آورده ایم تنها قدم های اول در یک جاده طولانی است. ما باید فراتر رویم، انقلاب باید پیشرفتهای بیشتری نماید. در غیر اینصورت ما به عقب خواهیم رفت و نمی توانیم پیروزیهایی را که بکف آورده ایم مستحکم نمائیم و تکامل دهیم.

برای گام برداشتن به سوی سوسیالیسم ما باید مبارزه طولانی و سختی را پشت سر بگذاریم. ما باید دارای کادرهای انقلابی حرفه ای باشیم زیرا دشمنان ضد انقلابی هنوز هم وجود دارند.

ما سه نوع دشمن داریم:

اول - سرمایه داری و امپریالیسم که از خطرناکترین دشمنان ما می باشند.

دوم - عادت و سنن گذشته نیز دشمنان بدی هستند. آنها مودینه سعی می کنند جلو پیشرفت انقلاب را بگیرند. لیکن ما نمی توانیم آنان را فرو بنشانیم و باید با هشیاری و مراقبت در جهت تصحیح دراز مدت آنها کوشش نمائیم.

سوم - سومین دشمن ما فردگرایی می باشد که خود خصلت و طرز تفکر خرده بورژوازیست که در تک تک ما به کمین نشسته است و منتظر کوچکترین فرصتی است تا سر بلند کند. این دشمن همدست دو دشمن اولیه ما می باشد.

از اینرو اخلاق انقلابی شامل مبارزه ای بی امان، تحت هر شرایطی علیه تمام دشمنان، هوشیاری، آمادگی برای مبارزه، امتناع از تسلیم و سر تعظیم فرود آوردن می باشد. تنها تحت چنین شرایطی خواهیم توانست دشمن را شکست داده و به وظایف انقلابیمان عمل نمائیم.

حزب ما با پیش گذاردن سیاست صحیح و رهبری متحد است که می تواند طبقه کارگر و تمام زحمتکشان را به سوی سوسیالیسم رهبری کند. چنین رهبری متحدی از اتحاد فکر و عمل تمام اعضایش منشأ می گیرد. بدون چنین اتحادی ما همچون ارکستر گوشخراشی خواهیم بود که از هر طرف یک صدای ناموزون بیرون می آید و آنگاه ما هرگز قادر به رهبری توده ها و به سرانجام رساندن انقلاب نخواهیم بود.

گفتار و اعمال اعضای حزب بار سنگینی به دوش انقلاب است زیرا که تأثیر زیادی بر روی توده ها می گذارد. به طور مثال: سیاست کنونی حزب ما و دولت ما ایجاد تیمهای تعویض کار و تعاونیهای دهقانی به منظور پیشبرد تعاون کشاورزی می باشد. اما تعدادی از اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر از پیوستن به آن امتناع کرده اند و فعالانه برای ایجاد و استحکام آن شرکت نمی جویند. آنها تحت رهبری فردگرایی به هر کاری که علاقه مند هستند دست می زنند و علیه وظایف و دیسیپلین تشکیلات حزبی عمل می کنند. خواه نا خواه اعمال آنان به حیثیت و اعتبار حزب ضرر زده جلوکارها را می گیرد و پیشرفت به سوی سوسیالیسم را کند می نماید.

تمام سیاستها و برنامه های حزب برای خدمت به منافع خلق هاست. پس برای يك عضو حزب اخلاق انقلابی شامل حرکت مجدانه و کوشا در جهت به تحقق پیوستن این برنامه ها (بدون ترس از مشکلات) و در نتیجه برای توده ها نمونه بودن می باشد. هر عضو حزب باید درجه تعهد و احساس مسؤلیت خود را نسبت به خلق و حزب افزایش دهد. از فردگرایی پرهیز کند و قاطعانه علیه آن مبارزه نماید. حزب ما نماینده منافع شخصی يك گروه و یا يك فرد نبوده بلکه نماینده منافع مشترك طبقه کارگر و تمام خلقهای زحمتکش می باشد و این را همه می دانند. طبقه کارگر نه تنها برای آزادی خود، بلکه برای رهایی بشریت از یوغ استثمار و ستم مبارزه می نماید. بنابراین منافع این طبقه با منافع خلق یکی می باشد.

يك عضو حزب، به نام حزب، نماینده منافع پرولتاریا و به طور کلی زحمتکشان است. بنابراین منافع او در چهارچوب منافع حزب و پرولتاریا می باشد و نه خارج از آن. موفقیت و پیروزی برای حزب به معنای موفقیت و پیروزی برای آن رزمنده است. هر کس هر چقدر هم که ماهر باشد، مجزا از حزب و طبقه نمی تواند چیزی به دست آورد. اخلاق انقلابی برای يك عضو یعنی در هر شرایطی مقدم قرار دادن منافع حزب بر هر چیز دیگر. اگر منافع حزب با منافع آن فرد در تضاد قرار گیرد، دومی بیشك باید جای خود را به اولی دهد.

بعضی از اعضای حزب به خاطر مبرا نبودن از فردگرایی، هنوز از "خدمات خود به حزب" به تعریف و تمجید می پردازند و خواهان سپاسگزاری هستند. آنان خواهان توجه، احترام، مقام و آزادیهای ویژه می باشند. اگر خواسته های آنها ارضا نشد از حزب دلزده می شوند و مرتب از این شکایت می کنند که "آینده شان از دست رفته" و "فدا" شده اند. آنها رفته رفته از حزب کنار کشیده و بدتر از آن دست به تبلیغات به ضد سیاستها و دیسیپلین حزب می زنند. بسیاری از کادرها و جنگجویان در دوران مبارزه مخفی و جنگ مقاومت قهرمانانه جان خود را فدای انقلاب کرده اند، بسیاری از قهرمانان زحمتکش و کارگران پیشرو با جدیت تمام برای ازدیاد تولید کوشش نموده اند. آن رفقاء خواهان شهرت و مقام نبوده و انتظار کوچکترین سپاسگزاری از حزب نیز نداشتند.

حزب ما خصلت توده ئی دارد و دارای صدها و هزارها عضو می باشد. به خاطر شرایط مشخص میهن ما، اکثریت اعضای حزبی از قشر خرده بورژوازی می آیند و هیچ جای تعجبی وجود ندارد. در آغاز موضع بعضی از رفقای حزب می توانده قدر کافی قاطع و مستحکم نباشد، نگرش و طرز تفکر آنان ممکن است مغشوش و لزوماً صحیح نباشد، اما با توجه به پرورشی که در انقلاب و جنگ مقاومت یافته اند، آنها در مجموع رزمندگان خوبی هستند و به حزب و انقلاب وفادارند. آنان می دانند که هر رفیق عضو حزب که اشتباه می کند، توده ها را به اشتباه می اندازد. بنابراین برای تصحیح تمام اشتباهات و نقایص خود نیز آماده اند. اینکار در يك پروسه به اشتباهات کوچک اجازه نمی دهد تا به اشتباهات بزرگ تبدیل شوند. آنها صادقانه به انتقاد و انتقاد از خود می پردازند تا راه را برای پیشرفت همگانی باز کنند.

این مطابق اخلاق انقلابیست. در دوران طولانی فعالیت مخفی، حزب ما با وجود سرکوب وحشیانه استعمارگران و مشکلات و خطرات بیشماری که در سر راهش بود، هر روز بیش از پیش محکمتر شده، رشد کرده، انقلاب و جنگ مقاومت را تا پیروزی به پیش برده. اینهم تحت تأثیر استفاده از سلاح برنده انتقاد و انتقاد از خود بوده است.

اما رفقای هستند که هنوز نتوانسته اند فردگرایی را از خود دور کنند، از اینرو بسیار متکبر و از خود راضی بوده و مرتب نسبت به شایستگی و قابلیت‌های خود فخر می‌فرشند. آنها در حالی که خود از دیگران انتقاد می‌کنند، دوست ندارند که دیگران به ایشان انتقاد کنند، از انتقاد از خود فرار می‌کنند یا بدون صداقت و جدیت به آن برخورد می‌کنند. آنها از این می‌ترسند که حیثیت خود را از دست بدهند و یا شخصیتشان پائین بیاید. آنها هیچ توجهی به نظرات توده‌ها ندارند و نمی‌دانند که اجتناب از اشتباهات در کار مشکل است. ما از امکان اشتباهات نیست که می‌ترسیم، بلکه از عدم موفقیت در تصحیح بیرحمانه آنان می‌ترسیم. برای تصحیح اشتباهات ما باید به انتقاد توده‌ها گوش فرا دهیم و صادقانه به انتقاد از خود بپردازیم. در غیر اینصورت ما به عقب خواهیم رفت و این است نتیجه اجتناب ناپذیر فردگرایی.

اخلاق انقلابی یعنی اتحاد با توده‌ها در یک بدن واحد، اعتماد به آنها و توجه به نظرات آنها. با اعمال و گفتار خود، اعضای حزب و جوانان کارگر و کادرها، اعتماد، احترام و عشق توده‌ها را به خود جلب نموده، می‌توانند آنان را به دور حزب متحد کرده، آنان را سازمان و آگاهی داده و طوری بسیج کنند که آنها با شور و حرارت تمام به عملی کردن سیاستها و برنامه‌های حزب مجدانه بپردازند.

این کاری بود که ما در دوران انقلاب و جنگ مقاومت انجام داده ایم. اما در حال حاضر، فردگرایی، بعضی از رفقای ما را به قربانی گرفته است. اینان با این ادعا که آنها همه چیز را می‌دانند، از توده‌ها جدا مانده و از یاد گرفتن از آنها امتناع می‌کنند و فقط می‌خواهند که آموزگار توده‌ها باشند. آنها در سازماندهی تبلیغات و کار سیاسی در میان توده‌ها از خود تزلزل نشان می‌دهند. آنها بزودی به بوروکراتیسم، و فرماندهی مبتلا می‌شوند. در نتیجه نه تنها علاقه، بلکه اعتماد و احترام خود را نیز در نزد توده‌ها از دست می‌دهند.

اکنون شمال کشور ما به سوی سوسیالیسم به پیش می‌رود. این آرزوی مبرم میلیون‌ها خلق زحمتکش می‌باشد. این بسیج همگانی توده‌های ستمدیده تحت رهبری حزب است. فردگرایی یک سد بزرگیست در مقابل ساختمان سوسیالیسم. در نتیجه پیروزی برای سوسیالیسم از یک مبارزه جدی برای از میان برداشتن فردگرایی جدا نیست.

مبارزه علیه فردگرایی به معنای لگد زدن به منافع فردی نیست. هر شخصی خصوصیات، هنرها، زندگی خصوصی و خانوادگی خودش را دارد. اگر منافع شخصی یک فرد با منافع جمع در تضاد قرار نگیرد، هیچ ضرری نخواهد داشت. اما ما باید توجه داشته باشیم که هر کسی تنها تحت جامعه سوسیالیستی خواهد توانست زندگی خصوصی و خصلت‌های خود را بهتر بکند و نکات مثبت خود را بپروراند.

هیچ سیستمی در احترام به بشریت توجه به حقوق حقه افراد و اطمینان به رضایت آنان، به پای سوسیالیسم و کمونیسم نمی‌رسد. در جامعه‌ای که تحت حکومت طبقات استثمارگر است فقط به منافع شخصی عده محدودی از همان طبقه رسیدگی می‌شود، در حالی که کوچکترین منافع رنجبران لگد مال می‌شود.

اما در جوامع سوسیالیستی و کمونیستی که زحمتکشان خود سرور خود می‌باشند، هر کسی بخشی از جامعه است و به نوبه خود به جامعه خدمت می‌کند. به همین خاطر منافع یک فرد در گرو منافع جمع قرار می‌گیرد و به کف آوردن هر کدام ملزم به دست آوردن دیگریست. حال اگر ایندو با هم در تضاد افتند اخلاق انقلابی فدا شدن منافع شخصی را در مقابل منافع جمعی می‌طلبد.

جنبش انقلابی صد ها و میلیونها نفر را در بر می گیرد. فعالیت انقلابی نیز هزاران مسؤولیت مشکل و خطیری دارد که باید به پیش برده شوند. برای فائق آمدن به شرایط سخت و تشخیص صحیح تضادها و برای حل صحیح مسائل گوناگون ما باید به علم مارکسیسم- لنینیسم دست یابیم. تنها از این راه ما خواهیم توانست اخلاق انقلابی مستحکم داشته باشیم، قاطعانه بر روی مواضع ایستادگی کنیم، سطح آگاهی سیاسی و تئوریک خود را ارتقاء دهیم و به وظایفی که حزب به عهده ما گذارده جامعه عمل بپوشانیم.

آموختن مارکسیسم - لنینیسم به معنای یادگیری چگونگی شیوه برخورد به مسایل، به خود و به دیگران است، به معنای آموختن حقایق جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم در جهت تلفیق خلاقانه آن به شرایط خاص جامعه است. ما باید از موضع عمل این تئوریا را بیاموزیم.

اما بعضی از رفقاء یکسری از کتب مارکسیستی را حفظ می کنند و خیال می کنند که دیگر مارکسیسم- لنینیسم را از هر کس دیگری بیشتر درک کرده اند. اما زمانی که با مسائل مشخص عملی روبه رو می شنوند، یا از خود حرکتی مکانیکی نشان می دهند، و یا به کلی گیج می شوند. گفتار آنها مطابق کردارشان نیست. آنها کتب مارکسیست - لنینستی می خوانند ولی روح انقلابی و پرولتری آن را جست و جو نمی کنند. آنها فقط می خواهند معلومات خود را به رخ دیگران بکشند، نه این که آن را در عمل انقلابی به کار برند. این نیز نوعی از اندیویدوالیسم است.

اندیویدوالیسم صدها مرض خطرناک دیگر به دنبال می آورد: بوروکراتیسم، فرماندهی، سکتاریسم (گروه گرایی)، سوژکتیویسم (ذهنی گرایی)، فساد و غیره. فردگرایی دستان و چشمان اسپر خود را بسته و تمام حرکتهای او را به سوی آرزو برای احترام و مقام (نه از موضع علاقه به منافع خلقها و طبقه کارگر) هدایت می کند.

فردگرایی دشمن سرسخت سوسیالیسم است و هر انقلابی باید با آن خط کشی کند.

در حال حاضر برای ساختمان شمال، وظیفه حزب و مردم اینست که در جهت از دیاد تولید و صرفه جوئی بکوشند، رفته رفته به سوسیالیسم رو بیاورند و آن را پایگاه محکمی برای اتحاد مجدد کشور تبدیل نمایند. این وظیفه ای بسیار درخشان است. بگذار تمام اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر، بگذار تمام کادرهای داخل و خارج از حزب به این نتیجه برسند که تمام زندگی خود را در خدمت حزب و به خلق واگذار کنند.

اخلاق انقلابی از آسمان نمی بارد، بلکه از درون پشتکار و مبارزه روزمره تکامل پیدا می کند. مانند عاج هر چه بیشتر صیقل پیدا می کند درخشنده تر و زیبا تر می گردد.

چه چیزی جز دمیدن اخلاق انقلابی در یک رفیق برای خدمت به ساختمان سوسیالیسم و آزادی بشریت می تواند سرچشمه ای بزرگتر و زیباتری از شادی و خوشبختی باشد؟

من صمیمانه آرزو دارم که تمام اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر و همگی کادرهای داخل و خارج از حزب برای پیشرفت و ترقی، مبارزه جدی و سختی را در پیش گیرند.

پشت جلد جزوه نوشته شده:

کسانی که علیه بی عدالتیها قد علم می کنند انسانهای واقعی هستند.

زمانی که در زندانها باز شود عقاب واقعی به پرواز در خواهد آمد.

رفیق هوشی مین

تکثیر از: چریکهای فدائی خلق ایران